

موغام هاي آذربايجان

مسعود فيوضات

mfiouzat@yahoo.com

ارائه مقالات علمي و تحقيقي در خصوص رشته هاي مختلف هنر و ادبيات آذربايجان در شرايطي كه عموم مردم آذربايجان حتي خيل عظيم علاقه مندان به فرهنگ مادري به دليل بي اعتناييها و بايكوتهاي معيني كه در دوره هاي مختلف زمينه هاي آنان فراهم گرديده است از آشنائي و كسب اطلاعات در اين خصوص محروم مانده اند امري بسيار حياتي تلقي مي شود. سنگيني اين بار عمدتا بر روي روشنفكران و محققان همزبانان است. انتقال اين دانستني ها با تكيه بر تكنولوژي اطلاع رساني جديد يعني سايتهاي اينترنتي فضاي مناسب را براي تحقق ارتقاء آگاهي ملي فراهم ساخته است. يكي از شاخه هاي بسيار مهم هنري هر ملتي عبارت از فرهنگ موسيقي ملي اوست. متاسفانه آگاهي و معلومات عمومي در خصوص گنجينه موسيقي ملي آذربايجان در ميان همزبانانمان در حد قابل قبولي نيست. از اين منظر ارائه مقالات و نشر كتب در خصوص هنر و سنتهاي موسيقي ملي آذربايجان امري بسيار ستودني ، واجب و لايق تقدير و تحسين است.

اما نکته اي كه اهميت بسيار دارد و عدم رعايت آن مي تواند بجاي تاثير مثبت قابل انتظار ، تاثير منفي نيز بجاي گذارد ارائه اطلاعات سطحي ، غير دقيق ، تجزيه و تحليل نشده و غيركارشناسي در اين خصوص مي باشد. حقير اين نکته و تذكر را در وحله اول براي خودم و سپس براي كلييه هم قلمان و دوستان عزيزم توصيه مي نمايم. بايد حداقل 50 صفحه آنهم بعضا دو سه بار و با دقت مطالعه كرد سپس دو سه سطر مطلب نوشت . طبعاً مطالبتي كه بدین شكل تحرير مي گردد به اندازه كافي قوت ، استحکام و عمق خواهد داشت.

در شماره هاي 287 ، 289 و 291 نشریه وزین “نوید آذربايجان” مطلبی تحت عنوان “موسيقي آذربايجاني” برگرفته از اينترنت درج گرديده است . در وحله اول بايد از نويسنده مقاله تشكر كرد كه تقبل زحمت کرده و خواسته است تا اطلاعاتي هر چند كلي و خلاصه شده را درخصوص شناسانيدن فرهنگ زيباي موسيقي آذربايجاني ارائه نمايد. ما براي اين هم قلم عزيز آرزوي موفقيت و پيگيري در خصوص تحقيق و تاليف داريم. منتها لازم است در خصوص برخي موارد مطرح شده در مقاله نکاتي كه بنظر مي آيد بازگو شود.

با اينكه منبعي براي مقاله ياد شده قيد نگرديده است اما كاملاً مشخص است كه عموم مطالب از كتاب بسيار ارزنده “موغام” (نشریات دولتي آذربايجان- باكو 1991) اثر موسيقي شناس مشهور پروفيسور “راميز زوهراب اف” نقل شده است . زحمت ترجمه اين كتاب را به فارسي آقاي “علاءالدين حسيني” تقبل کرده اند كه در سال 1378 توسط انتشارات سروش منتشر و به بازار عرضه شده است .

همانگونه كه تاكيد گرديد اين كتاب در خصوص معرفي هنر موسيقي موغام آذربايجان منبعي بسيار غني و قابل استفاده مي باشد. اما در باره ترجمه انجام شده مواردی مانند عدم تطبيق كامل ، ضعف در جمله بندي ها و معادل سازي ها ، عكس روي جلد كه تناسبی با موضوع و مضمون كتاب ندارد و غيره در نظر است كه مي تواند ترجمه مذکور را در بوته نقد و بررسي قرار دهد اما در اين مختصر دنبال چنين هدفی نبوده و فقط به ذكر يك مورد كه در مقاله اينترنتي هم به همان صورت منعكس شده بپردازيم . آقاي علاءالدين حسيني در ترجمه خود عنوان كتاب را “موسيقي مقامی آذربايجان” (موقام) گزاردہ اند. هنگام رویت كتاب اين سوال براي همه اهل موسيقي و دوستداران هنر ملي پيش مي آيد كه چرا مجموعه اي كه آذربايجانيها به آن “موغام” اطلاق مي كنند به شكل “موقام” درآمده است؟ آقاي حسيني در مقدمه مترجم (صفحه 9 كتاب) چنين مي نويسند:

“عنوان موقام تلفظ محلي و اثره مقام است و شايد بهتر بود به صورت مقام Mogam نوشته شود اما به جهت اينكه تشخيص دو واژه مقام (با ضمه) و مقام (با فتحه) كه در موسيقي آذربايجان به دو مفهوم متفاوت به كار مي روند براي خواننده آسان باشد از اين طرز نگارش استفاده شد.”

مترجم در پاورقي همان صفحه توضيح بيشتري مي دهد.

“البته در تلفظ و املاي آذربایجاني “موغام” درست تر است ، اما براي حفظ قرابت املايي آن با مقام ، به شکل موقام آمده است.”

ظاهرا به نظر مي رسد که آقاي حسيني چنان به حفظ اين قرابتها مایل هستند که حتي اگر ماهيت واژه اصلي هم بي اعتبار و بي هويت گردد زياد اهميتي نخواهد داشت. ايشان حتي نام مولف را هم “رامز زهراب اف” قيد کرده اند در حالیکه روزنامه ها و نشریات فارس زبان هم چنين کاري نکرده اند. يعني تا به حال مثلا هروقت مصاحبه اي يا خبري راجع به هنرنامي هنرمند بزرگ و تارزن مشهور “راميز قلي يف” در اين نشریات درج شده نام ايشان همان “راميز” درج شده است. و اما در خصوص واژه جديد الخلقه “موقام” و نظر مترجم بايد اظهار داشت که برخلاف نظر آقاي حسيني واژه موغام هيچ ارتباطي به واژه مقام (در عربي به معنای جایگاه و رتبه) ندارد و بهيچوجه تلفظ باصطلاح محلي واژه مقام نيست.

البته پروفيسور راميز زهراب اف در بخش “آذربايجان موعامي” (صفحه 69 متن اصلي و صفحه 99 ترجمه) مي نويسد:

“ آذربايجاندا عربجه دن آليميش “ماکام” سوزو يئرلي تلفوزه گوره “موغام” کيمي سسله نير.”

ترجمه: “ در آذربايجان به واژه “ماکام” که از زبان عربي اخذ شده با تلفظ محلي “موغام” گفته مي شود.”

آقاي حسيني اين جمله را چنين ترجمه کرده است:

“ لفظ مقام برگرفته از عربي ، در آذربايجان با تلفظ محلي موقام ناميده مي شود.”

همانگونه که ملاحظه مي شود کلمه “موکام” در ترجمه آقاي حسيني به شکل “موقام” درآمده است. اين در حالي است که اساسا در موسيقي شفاهي - حرفه اي عربيها به اين مجموعه همان ماکام اطلاق مي شود نه مقام. حال چرا عربيها به اين مجموعه ماکام و آذربايجانيها موغام گفته و ساير ملل از اسامي ديگر شبیه آن استفاده مي کنند در بحث ذيل بطور خلاصه تشریح مي گردد.

پروفيسور “رافيق ايمراني” دانشمند ، پژوهشگر موسيقي و استاد کنسرواتوار دولتي موسيقي جمهوري آذربايجان در جلد اول کتاب “تاريخ موغام” مي نويسد:

“اين موضوع که هنر موغام بسيار قبل از دوران اسلام در اراضي ايران انتشار يافته و چندين قرن بعد با عنوان ماکام ناميده شده نشان مي دهد که خاستگاه هنر موغام دنياي عرب نبوده بلکه بطور محض با اراضي ايران پيوند دارد.” (صفحه 24)

“از تحقيقات انجام شده احتمال اينکه موغام نه از مفهوم مقام بلکه به لحاظ اتيمولوژيک بر اساس واژه اي ديگر بوجود آمده باشد به ميدان مي آيد. (ص 25)

“از فاکتها ي قيد شده چنين منطقي به ميان مي آيد که موسيقي حرفه اي و شفاهي- سنتي که در [منطقه] مغان توسط “مغ ها” نواخته و خوانده مي شده ، ريشه اصلي خود را بطور محض بر اساس زمينه واقعي از تمدن پيشرفته و شکل يافته سومر گرفته است. هنر موغام در اعصار نهم و دهم قبل از ميلاد از طرف مغ ها به حيات خود ادامه مي داده است.” (ص 28)

بنابراين پژوهش ها و تحليل هاي انجام شده در زمينه اتيمولوژي واژه موغام تعلق آن به منطقه مغان در آذربايجان و کاهنان مغ را بوضوح آشکار مي کند. پروفيسور ايمراني طي سخنراني خود در اولين همایش بين المللي علمي- هنري موسيقي آذربايجان در تهران (آبان 81) در اين خصوص تصريح مي کند:

“ واژه موغام نسبت به ماکام داراي ديرينگي بيشتري مي باشد ... اين فکر نشانگر اين است که طي هزاره اول هواهاي (نغمه هاي-م) بوجود آمده توسط طايفه هاي قديم ماق- موغ در تشکيل ريشه هاي قومي ملت آذربايجان نقش ويژه اي يازي کرده است ... فراگيري تاريخ موغام ها ثابت مي کند که آنها ضمن اينکه در دوران سومريها بوجود آمده اند، دوره پيشرفت بزرگ آنها مصادف با هزاره اول قبل از ميلاد در تمدن مادها مي باشد.” (مقاله: “ موغام ها به کدام تمدن منسوب هستند؟ فلسفه ، گذشته و حال آنها” مجموعه مقالات اولين همایش بين المللي علمي- هنري موسيقي آذربايجان - در آستانه چاپ)

“پژوهش هاي اوليه نشان مي دهد که در مدارك علمي مربوط به قرون 6-4 ميلادي وجود طايفه هاي موغ- ماغ که به لحاظ اصالت قومي آذربايجاني بوده اند و فاکت مرتبط با موغام “مزدکاتي”

که به قهرمان ملي، "مزدك" مربوط مي گردد، حضور الحان موسيقي موعام در قرن 5 ميلادي را تصديق مي كند... فاكتهاي ارائه شده وجود الحان موعام (که با مزدك و كاهنهای مغ بستگي داشته) بلاواسطه وجود موعام ها را در سنتهاي ديرين هنر موسيقي آذربايجان ثابت مي كند... ايفاگران موعام ها بطور قطع موع ها هستند." (مقاله: "ريشه هاي تاريخي هنر موعام" مجموعه مقالات همایش موسيقي آذربايجان)

بنا بر اين اشتباه آقاي علاءالدين حسيني در اين است که در ترجمه کتاب پروفيسور زوهراب اف بجاي واژه ماکام از مقام استفاده کرده و به اين نتيجه گيري غيرصحيح دست يازيده است. از سوي ديگر نظريه پروفيسور زوهراب اف مبني بر اخذ واژه موعام از ماکام عربي که عموماً تلقي صاحب نظران آذربايجاني تا ابتدای دهه 90 ميلادي بوده است با ارائه نظريات جديد علمي توسط پژوهشگران جوانتر بخصوص پروفيسور رافيق ايمراني که در دهه 90 مطالعات و تحقيقات گسترده و ارزشمندی را در ریشه شناسي تاريخ فرهنگ موسيقي موعام به انجام رسانيده اند، به مثابه يك سلسله تفكرات سنتي عملاً بي اعتبار شده است. علاقه مندان و پژوهشگران مي توانند به آثار پروفيسور ايمراني بخصوص مجموعه 12 جلدی تاريخ موعام که فعلاً يك جلد آن انتشار يافته، جلد هاي دوم و سوم براي چاپ آماده شده و جلد هاي بعدي نيز تدريجاً چاپ خواهد شد مراجعه نمايند. در قسمت دوم مقاله ارائه شده (شماره 289 نوید آذربايجان) دليل فشرده بودن مطالب و با در نظر گرفتن اينکه اين اطلاعات براي عموم جامعه فرهنگ دوست تهيه شده نه متخصصان موسيقي، لذا احتمال سردرگمي خوانندگان و آگاهي از اينکه بالاخره موعام هاي آذربايجان کدامها بوده و تعدادشان چقدر مي باشد بسيار است. مثلاً خواننده اي که اين مطلب را خوانده بود مي پرسيد که بالاخره موعام هاي آذربايجان آن 6 دستگاه است (طبق مقالات ميرمحسن نواب) يا آن 12 موعام (موعام هاي کلاسيک که اوزنير حاجي بيگ اف آنها را به نت درآورده است) يا آن 13 موعام (زير عنوان دستگاههاي موعامي). در واقع بحث بسيار مهمي در اين خلاصه حذف شده که در ساده ترين شکل ممکن ميشد براي خوانندگان تشریح کرد و آن عبارت است از تفاوت بين مفهوم دستگاه و موعام. اثر موسيقياي چند قسمتي (نچه حيصه لي) دستگاه و اثر وکال- انسترومنتال (آوازي- سازي) يك قسمتي (بیر حيصه لي) موعام مي باشد. بنابر اين موعام هاي آذربايجان در يك تقسيم بندي علمي در حلقه نخست بر اساس لاد (مد) Mode مشخص گرديده اند. هفت مد اصلي موسيقي شفاهي حرفه اي آذربايجان عبارتند از:

راست، شور، سه گاه، چهارگاه، شوشتر، بيات شيراز و همايون.

اين سيستم "مد" فونداسيون اصلي ژانر موسيقي شفاهي - حرفه اي است که دستگاهها بر روي آنها بنا مي شوند. بنابر اين دستگاههاي مختلف موعامي آنها به شرط همگون و هماهنگ بودن با يکديگر (اوزنير حاجي بيگ اف- مقاله نگاهی به حيات موسيقي آذربايجان. شماره هاي 1 و 2 - مجله معارف و منيت) آنها را ساخته اند به صورت همان 13 دستگاه موعامي ياد شده شکل گرفته اند. براي شناخت بيشتر موضوع مي توان به صفحات 123 الي 126 ترجمه کتاب موعام پروفيسور راميز زوهراب اف مراجعه نمود.

بهر حال در مقاله چاپ شده مدها و دستگاههاي موعامي بدنيال هم نام برده شده و شرح کوتاهی در خصوص آنها داده شده است. در خصوص دستگاه راست که دستگاهي مهم و ديرين به حساب مي آيد هيچ اشاره اي به آخرين تركيب شعبه ها و گوشه هاي آن نشده در حالیکه در واريانتهای "راست" شامل ماهور هندي، ماهور مياني، بيات قاجار و دوگاه اين امر صورت گرفته است. ليکن در خصوص بيات قاجار و دوگاه بجای معرفي آخرين تركيب آن، جدول ميرزا فرج تارزن که مشتمل بر شعبه ها و گوشه هاي اين دستگاههاي موعامي در قرن نوزدهم مي باشد معرفي شده است. در خصوص شعبات و گوشه هاي دستگاه شور نيز 30 شعبه و گوشه ميرزا فرج را آورده در حالي که شور در حال حاضر شامل 11 شعبه و گوشه مي باشد. اين مساله در مورد سه گاه زابل، چهارگاه، شوشتر، بيات شيراز و همايون نيز به همين صورت است.

مراحل تکوين و تکامل موعام ها پروسه اي طولاني را تشکيل مي دهد. با قبول اينکه سنتهاي موسيقي شفاهي - حرفه اي در هر دوره اي به مثابه يك واسطه بياني متناسب با شرايط و مقتضيات حيات و معيشت اجتماعي تغيير و تحول مي يابد مي توانيم به اين قناعت برسيم که فرمگيري،

تلخیص و جمع و جور شدن نهایی شعبه ها و گوشه ها و سایر عناصر دستگاهها مانند رنگها ، دیرینگیها و غیره نتیجه طبیعی این پروسه منطقی بوده است. مطالعه تاریخ تکامل هنر موسیقی موعام آذربایجان تکوین این ژانر را طی مراحل و مقاطع ذیل مشخص می سازد:

- 1- دوران دیرین شامل تمدنهای بین النهرین بخصوص مدنیت سومر و ایلام و نیز تمدنهای موجود در اراضی آذربایجان مانند تمدن ماننا و ماد.
- 2- دوران پس از اسلام و ظهور دانشمندان مانند **ابن سینا** و **فارابی** و نظریه پردازی در خصوص موعام های دوازده گانه کلاسیک .
- 3- دوران سده های میانه و درخشیدن موسیقیدانهای نابغه آذربایجان مانند **صفی الدین ارموی** و **عبدالقادر مراغه ای** ، ایجاد تحول اساسی در موعام های کلاسیک و تثویر شدن نوین آنها.
- 4- تحولات صورت گرفته از نیمه دوم قرن نوزدهم بخصوص در منطقه قره باغ آذربایجان .
- 5- تشکیل شورای اساتید شعبه شرق هنرستان موسیقی ترک با مدیریت **ع. حاجی بیگ** اف در سال 1925.
- 6- تدوین برنامه اجرایی هنرستانهای موسیقی به سرپرستی **احمد باکیخانف** در سال 1952.
- 7- تدوین برنامه تنظیمی اجرای موعام ها توسط **کامل احمد اف** ، **سلیم آقاییف** و دیگران در دهه 1980.

سرعیت پیشرفت و کاملتر شدن ترکیب دستگاهها از دهه بیست قرن بیستم به دلیل قرار گرفتن در پروسه علمی – تکنیکی قابل توجه است. طبعاً اصلاح سازی بسیار دقیقی در این ترکیبها صورت گرفته که در نتیجه آن شعبات و گوشه هایی که با جریان و سیستم کلی مدها در تضاد بوده اند از ترکیب آنها حذف گردیده اند. مطالعه مقالات و بخصوص کتاب بسیار ارزشمند **ع. حاجی بیگ** اف موسیقیدان نابغه آذربایجان تحت عنوان “پایه های موسیقی ملی آذربایجان” سمت گیری تئوریک این پروسه را نمایان می سازد. واقعیت غیر قابل انکار دیگر این است که بطور کلی با ایجاد جامعه مدرن معاصر و نیز پیشرفت سریع آن طبعاً بسیاری از سنتهای دیرین نیز در معرض تحول قرار گرفته اند. موسیقی موعام آذربایجان نیز از این روند مستثنی نبوده است. عزیز و همفکرانش به روشنی می دانستند که اگر موسیقی ملی با روند علمی موسیقی اروپا تطبیق نگردد شنونده ای نداشته و به تاریخ خواهد پیوست. نتیجه این تفکر خلق آثاری حرفه ای مانند اپراهای ملی با ترکیب موعام ، ترانه ها و رقص های ملی ، فانتازیهایی شور و چهارگاه ، آثار سمفونیک – موعام و دیگر آثار توسط عزیز ، مسلم و دوستان و شاگردانشان بود. عزیز معتقد بود که برای پیشبرد موسیقی ملی لازم است که به تحصیل موسیقی علمی پرداخته شود. (آرشیو مرکزی دولتی آذربایجان قفسه 57 شماره 5 پوشه 5 برگ 42)

بر این اساس دور از انتظار نبود که حجم موعامها کمتر گردیده و متناسب با سیستم مدها تنظیم گردد. دیگر انتظار نمی رفت که اجراهایی دو ساعته مانند اجرای “راست” در قرن 19 در دوران معاصر نیز تکرار گردد. بهر حال مطالعه و بررسی این روند تاریخی وظیفه موسیقی پژوهان عزیز است و باید که با تحریر مقالات متعدد اطلاعات صحیح و ارزنده ای در اختیار خوانندگان قرار گیرد.

<http://www.kitablar.com>

<http://www.kitablar.org/>